

مطالعه عوامل مرتبط با احساس انومی فردی در میان دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)

پروانه دانش^۱

پروین علی پور^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۱۲

چکیده

بر اساس جامعه‌شناسی عواطف، یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در مدیریت مسائل خرد، توجه به احساس افراد جامعه است. از این‌رو، احساس انومی فردی که از عوامل تأثیرگذار در کنش‌های افراد محسوب می‌شود نیازمند مطالعه است. این پژوهش به بررسی میزان انومی فردی در میان دانشجویان دانشگاه تهران می‌پردازد. در این تحقیق از نظریه‌های فردینبرگ، لیدنبرگ، نظریه بیگانگی اجتماعی سیمن، نظریه بی‌سازمانی در چارچوب نظری تحقیق استفاده شده است. روش این تحقیق پیمایشی است و نمونه تحقیق (۳۰۰ نفر) به صورت نمونه‌گیری طبقه‌بندی انتخاب شد. پردازش و تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (مشمول بر آزمون‌های همبستگی، رگرسیون چند متغیره) انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد احساس انومی ۱۸/۵ درصد دانشجویان تحت مطالعه پایین، ۶۵/۵ متوسط و ۱۶ درصد بالاست که نشانگر احساس انومی متوسط رو به بالای دانشجویان است. نتایج حاکی از آن است که عواملی چون اعتماد اجتماعی، اعتماد فردی، نهادی و تعمیم‌یافته، بی‌قدرتی، سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی با احساس انومی مرتبطاند، به طوری که بین این عوامل و احساس انومی فردی همبستگی وجود دارد. به جز متغیر احساس بی‌قدرتی که رابطه مثبتی با احساس انومی فردی دارد، بقیه متغیرها رابطه منفی با متغیر وابسته دارند. بین مشارکت اجتماعی، جنسیت، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و احساس انومی فردی رابطه‌ای وجود ندارد. بر اساس مدل رگرسیونی، متغیرهای احساس بی‌قدرتی و اعتماد فردی بیشترین اهمیت را در تبیین احساس انومی فردی داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: انومی فردی، احساس بی‌قدرتی، اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی،

مشارکت اجتماعی.

۱. استادیار دانشگاه پیام نور، p_danesh@pnu.ac.ir

۲. پژوهشگر مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه پیام

مقدمه و طرح مسئله

آنومی از مسائلی است که جوامع مدرن با آن دست به گریبان‌اند. آنومی مسئله‌ای اجتماعی یا بیماری جامعه مدرن است و نه تنها درمانی روشن نیافته، بلکه به دوران پسامدرن نیز انتقال یافته است. برخی جامعه‌شناسان با ترسیم تاریخ جوامع بشری، از ابتدایی تا مدرن، روند ساختار اجتماعی را در جهت «ذره‌ای شدن» و روند فرهنگ را به سوی «آنومیک شدن» دانسته‌اند. برخی دیگر از «آنومی درونی‌شده» [آنومی فردی] در شخصیت افراد در جامعه مدرن سخن گفته‌اند (رجب‌زاده و کوثری، ۱۳۸۲: ۳۲۰). به نظر می‌رسد این مورد اخیر در میان جوانان ایرانی مصداق دارد. سردرگمی جوانان در انتخاب روش و الگوی زندگی، عدم رعایت حقوق متقابل در جامعه، تصور بی‌عدالتی در جامعه و اینکه حق به حق‌دار نمی‌رسد، عدم اطمینان نسبت به آینده، شیوع کارهای خلاف عرف و قانون در جامعه همانند پارتی‌بازی و رشوه، عدم شایسته‌سالاری و عدم توجه به استعداد و قابلیت افراد، احساس اینکه جامعه روز به روز متشنج‌تر می‌شود، ناامیدی از ساختار حکومتی در حل معضلات مردم، عدم پیش‌بینی درست موفقیت‌ها و شکست‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و نهایتاً بی‌هدف و ناامیدی جوانان از رسیدن به زندگی بهتر و مطلوب از یک سو و شکاف مضاعف بین آرزوها و اسباب دسترسی و تحقق آرزوها از سوی دیگر، معرف ابعاد مختلف شرایط بحران اجتماعی و ظهور آنومی و بی‌هنجاری در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و شکل‌گیری احساس ناامیدی در بین جوانان جامعه است. این احساس ناامیدی را به نوعی می‌توان به احساس آنومی تعبیر کرد (مرجایی، ۱۳۸۲).

همواره سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی بر مطالعه رفتار جوانان تأکید داشته‌اند. دانشجویان به دلیل جداشدن از نفوذ و سلطه خانواده و احساس استقلال بیشتر، به دنبال انتخاب الگوهای برای زندگی خودند. به نظر می‌رسد نسل جوان امروز در پذیرش ارزش‌ها و انتخاب الگوهای رفتاری، خود را تابع قیدوبندها و محدودیت‌های اجتماعی نمی‌بیند. این احساس آزادی نسل جدید هر چند فی‌نفسه امری منفی و مذموم نیست، این نگرانی را ایجاد می‌کند که سیری معقول و معتدل نییافت. فاصله‌گرفتن نسل جوان از ارزش‌های مشترک جامعه عارضه‌ای ناخوشایند و وضعیتی آسیب‌رسان به جامعه است که لازم است مطالعه و تحقیق شود (کردزنگنه، ۱۳۸۵: ۲۷۵)، زیرا هر گونه برنامه‌ریزی اجتماعی در خصوص جوانان نیازمند شناخت دقیق مسائل و شرایط مختلف اجتماعی و برداشت‌های آنان از شرایط موجود است.

از این رو، شناخت وضعیت احساسی و مقتضیات ذهنی جوانان به خصوص جوانان دانشجویی که سازندگان فردای جامعه‌اند بسیار مهم می‌نماید چرا که احساسات تعیین‌کننده کنش‌اند. از طرف دیگر، مطالعه آنومی در سطح فردی (آنومیا) امکان بررسی معنای ذهنی افراد درگیر در شرایط آنومیک را فراهم می‌سازد. بدین ترتیب می‌توان با بررسی آنومی در سطح فردی، تجلیات شرایط اجتماعی را در احساسات و استنباط‌های افراد شناخت و به معیاری برای تبیین انحرافات اجتماعی و رفتارهای ناهم‌نوا دست یافت (گیویان، ۱۳۷۳). در این مقاله تلاش بر آن است تا با استناد به یافته‌های پژوهش، تصویری از احساس آنومی فردی در میان دانشجویان ارائه گردد و عوامل تأثیرگذار بر ایجاد این احساس تحلیل و تبیین شوند.

واکاوی نظری

به هم خوردن تعادل در روابط و پیوندهای استوار فرد با جامعه تحت عنوان‌های نابسامانی، بیگانگی، بی‌سازمانی و آنومی مطرح است. قبل از پرداختن به معنی بی‌هنجاری، ابتدا به تعریفی از هنجار اشاره می‌شود: «هنجار همانا اندیشه‌ای است در ذهن اعضای گروه؛ اندیشه‌ای که می‌توان آن را به شکل حکمی بیان کرد که مشخص می‌کند اعضا یا آدمیان دیگر، تحت شرایط معین بهتر است چه بکنند و یا انجام چه کاری از آنان انتظار می‌رود» (گولد و کولب: ۱۳۸۴، ۹۱۸).

با توجه به معنی کلی هنجار، می‌توان گفت به طور کلی سه معنای متمایز از بی‌هنجاری برمی‌آید:

- بی‌سازمانی شخصیت، آنچنانکه فرد خود را منحرف و متمرّد در برابر قوانین بیابد؛
 - شرایط و وضعیتی اجتماعی که در آن هنجارها در تنازع با یکدیگرند و افراد به سختی می‌توانند بین خواسته‌ها و توقعات متناقض محیط اجتماعی آشتی و سازگاری پدید آورند؛
 - وضع یا شرایطی اجتماعی که فاقد هنجار باشد.
- زمانی بی‌هنجاری رخ می‌دهد که شرایطی از این قبیل تحقق یافته باشند (ساروخانی: ۱۳۷۰، ۲۸):

- عدم جذب کامل افراد در درون نظام اجتماعی

• کاهش قدرت هنجارها و قوانین به دلایلی نظیر انقلاب، دگرگونی‌های سریع، تنازع درونی هنجارها و جزآن.

دانکن میشل در *دایره‌المعارف جامعه‌شناسی* می‌نویسد (میچل، ۱۹۷۹: ۷):

اصطلاح آنومی را نخستین بار امیل دورکیم برای نشان دادن موقعیت اجتماعی‌ای به کار می‌برد که در آن امکان کسب رضایت و بهزیستی وجود ندارد. در جامعه بهنجار شرایط زیر حاکم است:

- رفتارها تحت سلطه هنجارهای اجتماعی‌اند.
- هنجارهای اجتماعی نظامی یکپارچه و غیرمتناقض می‌سازند.
- فرد در جامعه آنومیک از نظر اخلاقی به دیگران وابسته است و خود را دریگانگی ذهنی با آنان می‌داند.

• برای کسب لذت در زندگی مرزها و حدود روشنی وجود دارد، بنابراین فرد آزاد نیست که برای ارضای تمایلاتش هرکاری خواست بکند.

با توجه به آیت‌های فوق می‌توان گفت بی‌هنجاری عبارت است از هرگونه شرایط و موقعیت‌هایی که در آن هنجارها در تضاد با یکدیگرند. افراد در این شرایط از نظر روحی و اخلاقی با یکدیگر ارتباط ندارند و برای کسب لذت مرزها و حدود روشنی وجود ندارد.

هرگاه در جامعه‌ای اجتماعی شدن افراد به درستی صورت نگیرد، امکان بروز نظام‌گسیختگی وجود دارد یا زمانی که شعور عمومی جامعه در مقابل یافتن راه‌حل معضلات ناتوان باشد، بحران آنومی دامنگیر جامعه خواهد شد. در چنین شرایطی عدم کارکرد درست نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی، موجب نرسیدن به اهداف فردی و اجتماعی و ایجاد نوعی آنومی فردی و گسترش آن در سطح جامعه می‌شود.

از نظریه‌های مهم مطرح در بحث بی‌هنجاری نظریه بی‌سازمانی است. نظریه بی‌سازمانی بر شرایط ساختاری تأکید دارد که نقطه مقابل اعتماد، مشارکت و به طور کلی سرمایه اجتماعی است. شرایطی که در آن شبکه‌های اجتماعی تضعیف می‌شود و مشارکت در جامعه کم و اعتماد نیز اندک است. نظریه بی‌سازمانی اجتماعی نشان می‌دهد دو مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی - اعتماد و مشارکت - با کنجروی و جرم ارتباط پیدا می‌کنند که این فرایند از طریق سازوکار کنترل اجتماعی اتفاق می‌افتد (میسر و روزنفیلد، ۲۰۰۱: ۲۸۵).

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان استنباط کرد آنومی در دو سطح خرد (فردی) و کلان (ساختاری و اجتماعی) مطرح است. بنابراین، آنومی هم در ارتباط با رفتار افراد در جامعه در برابر قوانین و هنجارهای اجتماعی به کار رفته است و هم در ارتباط با شرایط اجتماعی‌ای که در آن هنجارهای متناقض وجود داشته باشد یا اساساً به دلیل دوران گذار، در بسیاری از موارد، هنجاری وجود نداشته باشد (معیدفر، ۱۳۸۵: ۱۸۵). به بیان دیگر، می‌توان گفت آنومی فردی متأثر از آنومی اجتماعی است: «هرگاه شیرازه تنظیم‌های اجتماعی از هم گسیخته شوند، نفوذ نظارت‌کننده جامعه بر گرایش‌های فردی، دیگر کارایی‌اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به حال خودشان واگذار خواهند شد. در این موقعیت، آرزوهای فردی دیگر با هنجارهای مشترک تنظیم نمی‌شوند و در نتیجه، افراد بدون راهنمای اخلاقی می‌مانند» (کوزر، ۱۳۶۸: ۱۹۲).

از طرف دیگر، آنومی در بسیاری از موارد با مفهوم بیگانگی همراه می‌شود هنگامی که هنجارها قدرت حفظ وفاداری عمومی را ندارد و احساس از هم‌گسیختگی فرد را از جمعی که به آن تعلق داشته دور کند، از خود بیگانگی به وجود می‌آید. به تعبیری، نوعی تجربه از دست دادن احساس هویت و تلاش برای یافتن شکل جدیدی از هویت فرهنگی در جامعه است (برین‌استین، ۱۹۸۶: ۱۷۸). هنگامی که فرد دچار حالت آنومیک می‌شود، وابستگی و احساس تعلق خود را به گروه از دست می‌دهد، هنجارهای گروهی را سرمشق نمی‌پذیرد و از آن‌ها می‌گریزد و برای مدتی در بی‌هنجاری، یا دقیق‌تر در کم‌هنجاری و کژهنجاری به سر می‌برد؛ زیرا هنجار مطلوبی نمی‌یابد تا جایگزین هنجارهای پیشین سازد. البته، تمام هنجارها را از دست نمی‌دهد، ولی خودش را کنار می‌کشد و کمتر خود را با دیگران هم‌نوا می‌سازد و همسان می‌یابد (شیخاوندی، ۱۳۸۴: ۱۰۰). انسان آنومیک به اخلاقیات حاکم و خاستگاه آن پشت پا می‌زند، دیگر اعتقادی به جمع جامعه خویش ندارد و خود را مجبور به تبعیت و پیروی از آن نمی‌بیند. انسان آنومیک از نظر ذهنی سترون می‌شود و تنها به تمایلات خود می‌پردازد و مسئولیت هیچ کس و هیچ چیز را نمی‌پذیرد.

از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مسئله آنومی فردی در قالب بیگانگی مورد توجه بیشتر قرار گرفت (شیانی و محمدی، ۱۳۸۸: ۲۶)، به طوری که بسیاری از متفکران جدید مفاهیم بیگانگی و آنومی را مترادف با هم، یا یکی را به صورت رونوشتی از دیگری به کار می‌برند. برای مثال، اسرول بیگانگی را آلترناتیو و نسخه بدلی آنومی می‌داند (لاکس، ۱۹۹۳). دورکیم بیگانگی را مترادف با

کلمه آنومی در نظر گرفته و آن را نوعی حالت فکری می‌داند که در آن به واسطه اختلالات اجتماعی فرد دچار نوعی سردرگمی در انتخاب هنجارها، تبعیت از قواعد رفتاری و احساس فتور و پوچی می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۳۱). نترلر (۱۹۵۶) بیگانگی را مترادف با آنومیا یا آنومی فردی می‌گیرد. آنومیا در نزد نترلر به مفهوم اختلال، آشفتگی و بی‌سازمانی شخصیتی است و به وضعیت یا حالت روانی - اجتماعی دارد اشاره که در آن فرد نسبت به برخی جنبه‌های مشخص وجود اجتماعی خویش نوعی احساس تنفر می‌کند.

آبرکرامبل و همکارانش (۱۹۸۸) در فرهنگ جامعه‌شناسی می‌نویسند: آنومی ویژگی شرایط اجتماعی است که در آن هنجارهای مسلط بر تعاملات اجتماعی شکسته می‌شود. آنومی به مانند بیگانگی مفهومی است که شکاف بین تبیینات عمل اجتماعی در سطح فردی را با تبیینات عمل اجتماعی در سطح ساختار اجتماعی، پیوند می‌دهد.

سیمن بیگانگی را به مفهوم انفصال فرد از جنبه‌های اصلی وجود خویش تعریف می‌کند. او پنج معنای مترادف برای بیگانگی شناسایی می‌کند که عبارت‌اند از بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی و خود بیزاری. سیمن ضمن تأکید بر حالت بی‌هنجاری، آن را شرایطی می‌داند که با مفهوم آنومی دورکیم مرتبط است. او معتقد است آنومی در کاربرد سنتی آن دلالت بر وضعیتی دارد که در آن هنجارهای اجتماعی‌ای که رفتارهای افراد را تنظیم می‌کنند شکسته شده‌اند یا از تأثیر آنها به عنوان راهنمای رفتار افراد کاسته شده است (جاکسون، ۱۹۷۳: ۸۵۳). سیمن تظاهرات رفتار بیگانه گونه را بدین صورت تعریف می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۱۰۲):

۱. **بی‌قدرتی.** نوعی بیگانگی است که فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های اجتماعی و کنش متقابل خود تأثیرگذار نیست. به عبارت دیگر، احساس بی‌قدرتی عبارت از این تصور است که فرد احتمال می‌دهد عمل او بی‌تأثیر باشد و نتایج مورد انتظار او را برآورده نسازد.
۲. **احساس بی‌معنایی.** در این حالت فرد احساس می‌کند هیچ راهنمایی برای انتخاب سلوک و عقیده خود ندارد. بنابراین، دچار ابهام و شک و تردید می‌شود و نمی‌تواند در تصمیم‌گیری، عقیده خود را با استانداردهای فرهنگی - اجتماعی موجود در جامعه وفق دهد.
۳. **احساس بی‌هنجاری.** بی‌هنجاری عبارت است از این احساس که برای حصول به اهداف ارزش‌مند، ابزار و وسایل نامشروع مورد نیاز است. این احساس زمانی بروز می‌کند که فرد

متقاعد شود فقط کنش‌هایی او را به حوزه‌های هدف رهنمود می‌سازد که مورد تأیید جامعه نیستند.

۴. **احساس انزوای اجتماعی.** این احساس مبین انفکاک فکری فرد از استانداردهای فرهنگی و بیگانگی او از اهداف نظام اجتماعی است.

۵. **خودبیزاری.** این حالت عبارت است از احساس ناتوانی فرد در انجام فعالیت‌هایی که او را ارضا کند.

لیندنبرگ آنومی را متغیر وابسته‌ای در نظر می‌گیرد که تحت تأثیر احساس بی‌قدرتی پدید می‌آید (کوثری، ۱۳۸۶). فردینبرگ بیگانگی را مترادف با مفهوم نارضایتی به کار می‌برد و آن را منبع اصلی فعالیت فرد در نظر می‌گیرد. این چنین احساس نارضایتی در فرد سبب می‌شود به نوعی احساس انفصال و جدایی از موضوعات پیرامونی میل کند و با هر آنچه قبلاً پیوند داشت خود را جدا و منفک ببیند. فرد همچنین در چنین حالتی به خود همچون موضوعی خارجی می‌نگرد و از درون بین خود و این موضوع نوعی احساس کشمکش و تضاد و عدم ارتباط و شناخت تصور می‌کند. فردی که به احساس نارضایتی دچار است خود را ناتوان از آن می‌بیند که بتواند تغییری در وضعیت خود و شرایط محیطی به وجود آورد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۴۷). چنین شرایطی بازگوی حالات آنومی فردی است.

دیگر اندیشمند مطرح در حوزه آنومی فردی (آنومیا) لئو اسرول است. نابسامانی فردی از نظر اسرول حالت فکری و درونی است که موجب بروز احساساتی از قبیل ناامیدی نسبت به آینده، بی‌اعتمادی نسبت به افراد جامعه، بی‌اعتمادی نسبت به مسئولان و جریان امور، بی‌قدرتی و بدبینی نسبت به وضعیت افراد عادی و معمولی می‌شود. لذا، نابسامانی فردی حالتی احساسی و نگرشی است که کیفیتی خاص را در فرد آشکار می‌کند و به صورت احساسات متعددی متجلی می‌شود و به صورت احساسات متعددی نظیر آنچه اشاره شد، در نگرش‌ها و کنش‌های فرد متجلی می‌گردد (دین، ۱۹۶۹). اسرول بعد از تحقیقات متعدد، مقیاس استاندارد برای سنجش نابسامانی فردی تدوین کرد.

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت به‌طور کلی بی‌هنجاری در دو سطح قابل تمیز

است:

• بی‌هنجاری در سطح فردی؛ نشانگر حالتی فکری است که در آن احساسات فرد نسبت به خود وی سنجیده می‌شود. چنین حالتی همراه با اختلافات و نابسامانی‌هایی در سطح فردی است و فرد نوعی احساس ناهنجاری، پوچی و بی‌قدرتی را تجربه می‌کند.

• بی‌هنجاری در سطح اجتماعی؛ نشانگر نوعی اختلال و بی‌هنجاری جمعی است. در چنین وضعیتی هنجارهای اجتماعی از بین رفته یا در تضاد و ستیز قرار می‌گیرند و افراد به‌سختی می‌توانند بین آرزوهای خود و انتظارات متناقض جامعه، سازگاری پدید آورند و در نهایت ممکن است به رفتارهای نابهنجاری دست بزنند و خود را از عضویت در جامعه برکنار دارند. در چنین شرایطی همبستگی و وابستگی فرد و جامعه از بین می‌رود و ارزش‌ها و هنجارهای سنتی قدرت و نفوذ خود را در جهت حمایت از افراد از دست می‌دهند.

جامعه‌هایی که در آن‌ها به‌طور گسترده بی‌هنجاری وجود داشته باشد، در خطر متلاشی شدن قرار می‌گیرند، زیرا اعضای آن جامعه برای نیل به مقاصد مشترک، خطوط راهنما در اختیار ندارند و اغلب مواقع احساس جدایی و بی‌جهتی می‌کنند. به عبارت دیگر، بی‌هنجاری بیانگر وضعیت جامعه‌ای است که یک سلسله تعارض داشته باشد، هیچ‌کس قویاً و به‌طور کافی هنجارها را مراعات نکند، و هیچ فردی به‌طور گسترده آن‌ها را نپذیرد و خود را ملزم به تبعیت از آن‌ها نداند. جامعه بی‌هنجار فاقد خط رهبری استواری برای آموزش به مردم است. شخص بی‌هنجار پیروی از خط رهبری را به‌طور روشن درونی نکرده است (ستوده، ۱۳۷۲: ۴۹). افراد در این شرایط دچار نگرانی، استرس، بی‌انگیزگی، بی‌قدرتی، گوشه‌گیری، بیگانگی و بی‌معنایی می‌شوند و گسست بین افراد و اجتماعی آشکار می‌گردد. این حالات احساس آنومی فردی را بازتاب می‌دهد.

در این تحقیق از نظریه‌های فردینبرگ و لیدنبرگ، نظریه بیگانگی اجتماعی سیمن و نظریه بی‌سازمانی به ترتیب عوامل نارضایتی، بی‌قدرتی، بیگانگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، به عنوان متغیرهای مستقل، استخراج می‌شوند که این عوامل در نظریه‌های مطرح شده، بر آنومی فردی تأثیرگذارند. بنابراین، این نظریه‌ها را می‌توان چارچوب نظری تحقیق حاضر قلمداد کرد. همچنین، برای سنجش آنومی فردی از مقیاس استاندارد شده لئوسرال استفاده شده است.

مروری بر مطالعات پیشین

مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیلی بر احساس آنومی فردی در میان جوانان با تأکید بر جنسیت» نوشته‌ی ملیحه شیانی و محمدعلی محمدی (۱۳۸۹)، با استناد به یافته‌های پژوهشی به منظور شناسایی احساس آنومی فردی جوانان و برخی عوامل تأثیرگذار بر آن به نتیجه دست می‌یابد که نسبت قابل توجهی از دختران و پسران در وضعیت آنومیک قراردارند، اما این وضعیت به لحاظ جنسیت معنادار نیست. در بررسی روابط، نتایج نشان می‌دهد احساس آنومی فردی دختران متأثر از عوامل فردی و اجتماعی است که حالتی از گسستگی میان فرد و جامعه را بازتاب می‌دهد.

«مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک»، اثری است تحقیقی که در بخشی از آن به موضوع آنومی اشاره شده است. این پژوهش در صدد شناخت زمینه‌ها و میزان از خودبیگانگی، بی‌تفاوتی، انزوای اجتماعی، شناخت انواع بی‌هنجاری‌ها و زمینه‌های ذهنی آن است. یافته‌ها نشان می‌دهد در میان کسانی که دست به مفاسد اجتماعی زده‌اند و مجرم شناخته شده‌اند، افراد جوان‌تر و افراد با تحصیلات پایین‌تر و متوسط، مجردها، مردها و زنان متأهل بیشتر از دیگران مرتکب مفاسد اجتماعی یا بزهکاری شده‌اند و محیط‌های شهری افراد را بیشتر به سوی رفتارهای ناهنجار سوق می‌دهد (توسلی، ۱۳۸۲).

تحقیق دیگری با عنوان «آسیب‌شناسی اجتماعی جوانان» که با نمونه ۱۴۴ نفری از میان دانشجویان دانشگاه‌های دولتی غیرعلوم پزشکی تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۸-۷۹ انجام گرفته است، دو مفهوم مشارکت فرهنگی و بیگانگی فرهنگی را بررسی می‌کند. طبق یافته‌های تحقیق، ۴۰ درصد پاسخگویان غیردانشجو رضایتی متوسط از زندگی دارند. میزان آنومی اجتماعی در هر دو گروه بالاست: ۴۱ درصد در گروه دانشجویان و ۴۸ درصد در گروه غیردانشجو آنومی اجتماعی بالایی است.

«آنومی فردی: علل و عوامل مؤثر بر آن» در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران انجام گرفته است. اکثر قریب به اتفاق جامعه آماری را دارای احساس آنومی می‌داند. این میزان در بین دانشجویان متفاوت است. ۳۰ درصد دانشجویان دارای احساس آنومی فردی بالا، ۵۹ درصد دارای احساس آنومی فردی متوسط و ۱۱ درصد احساس آنومی فردی

پایین دارند. همچنین، ثابت شده است که بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد و احساس آنومی رابطه معناداری وجود دارد. هر چه پایگاه اقتصادی بالا می‌رود، احساس آنومی شدیدتر می‌شود. تحقیق دیگری با عنوان «سنجش و بررسی احساس آنومی در میان جوانان» را سیدهدادی مرجایی در شهر تهران در سال ۱۳۸۲ در بین ۵۰۰ نفر از جوانان ۱۵-۲۹ ساله انجام داد. در این تحقیق احساس آنومی در سه بعد اقتصادی (از دست دادن شغل، نابرابری‌ها در کسب درآمد، اقدامات خلاف عرف و قانون در راستای کسب منافع اقتصادی)، اجتماعی (شامل عدم رعایت حقوق متقابل، شرایط نامطمئن و سردرگمی در انتخاب روش و الگوی زندگی) و سیاسی (شامل نبود احزاب، عدم توجه به شایسته‌سالاری، عدم شفافیت دولتمردان در اداره مملکت) بررسی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد احساس آنومی اقتصادی با میانگین ۳/۹۸ درصد بیشترین و احساس آنومی اجتماعی با میانگین ۳/۸۰ و در درجه سوم احساس آنومی سیاسی با میانگین ۳/۳۸ بوده است. مهم‌ترین رنج و نگرانی جوانان شرایط اقتصادی است.

پژوهشی با عنوان «بررسی پتانسیل آنومی و زمینه‌های بروز آن در شهر کرمانشاه» را فیروز امجدیان انجام داد. جامعه آماری این پژوهش، تمامی مردان سرپرست خانوار ساکن در محلات شهر کرمانشاه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد:

۱. بیشترین میزان آنومی (عدم رعایت هنجارها) در شهر کرمانشاه، هنجارهای رسمی و پس از آن هنجارهای نیمه‌رسمی است و هنجارهای غیررسمی کمترین میزان آنومی را دارند.
۲. میزان تمایل به رفتار آنومیک در بین پاسخگویان در حد متوسطی قرار دارد.
۳. رابطه اغلب متغیرهای مربوط به شرایط آنومی بر مبنای چارچوب نظری مطالعه با یکدیگر و با رفتار آنومیک تأیید شد. ابتدا، ارزیابی ذهنی از «وضعیت اقتصادی» روی سه متغیر کلیدی (هدف، تحمل وضعیت و امید به آینده) تأثیر می‌گذارد. این سه متغیر اخیر، خود بر کاهش اعتماد اجتماعی و کاهش ملاحظات اجتماعی تأثیر دارند. همچنین، کاهش اعتماد و ملاحظات در کنار عوامل دیگر، بر برخی گویه‌های رفتار آنومیک اثر می‌گذارند. تأثیر پای‌بندی‌های مذهبی در افزایش اعتماد اجتماعی و کاهش تمایل به آنومی محرز شد. عدم کارکرد مناسب سیستم کنترل پلیس و دستگاه قضایی موجب کاهش اعتماد اجتماعی و افزایش تمایل به آنومی در جامعه می‌شود. احساس وجود نابرابری اقتصادی و اجتماعی موجب کاهش اعتماد اجتماعی و افزایش تمایل به رفتار آنومیک می‌شود.

پژوهش «سنجش چندبعدی احساس آنومی در بین جوانان» را نادری و دیگران در بین جوانان ۱۵-۲۹ شهر اردبیل انجام دادند. روش پژوهش حاضر با روش پیمایشی و با حجم نمونه آماری ۳۹۴ نفر با بهره‌گیری از شیوه نمونه‌گیری طبق متناسب صورت گرفته است. نتایج آزمون‌های آماری مبین رابطه معنادار بین نگرش به آینده، عزت نفس، گمگشتگی فرهنگی، احساس نابرابری، پایبندی دینی، گسیختگی خانواده و روابط نامناسب اجتماعی (متغیرهای مستقل) و آنومی (متغیر وابسته) است. نتایج برآورد مدل رگرسیونی در نرم‌افزار لیزرل ۸/۵ نگرش منفی به آینده را دارای بیشترین قدرت تبیین و اثرگذاری بر واریانس‌های آنومی و گسیختگی خانوادگی را دارای پایین‌ترین تأثیر در وضعیت آنومی جوانان نشان می‌دهد. همچنین، از بین سطوح آنومی، موجودیت شدید زمینه‌های آنومی فرهنگی بیشترین میزان و آنومی اقتصادی کمترین میزان در بین جوانان ارزیابی شده است.

روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق به لحاظ مفهومی از روش مطالعه اسنادی و از حیث تجربی برای بررسی متغیرها، تحلیل و آزمون فرضیه‌ها از روش پیمایش استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. در این تحقیق برای احتساب روایی بدین صورت عمل شد که ابتدا پرسشنامه تحقیق پیش‌آزمون شد و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ^۱ پایایی پرسش‌های چندگزینه‌ای و نیز پرسش‌هایی که در قالب طیف لیکرت سنجش شدند محاسبه شد. پس از اصلاحات لازم مجدداً داده‌ها از طریق پرسشنامه نهایی جمع‌آوری شد و آلفای کرونباخ آن‌ها به دست آمد. در مجموع، پایایی محاسبه شده که مقیاس‌های اعتماد فردی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی، احساس بی‌قدرتی و احساس آنومی فردی و رضایت از زندگی را شامل می‌شد، به ترتیب روایی ۰/۶۰، ۰/۵۵، ۰/۸۷، ۰/۷۱، ۰/۶۳، ۰/۸۴ داشتند. پردازش و تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (مشمول بر آزمون‌های همبستگی، رگرسیون چندمتغیره) انجام شده است. لازم به توضیح است که جامعه آماری این تحقیق تمامی دانشجویان دانشگاه

۱. برای احتساب روایی مقیاس‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که انسجام درونی ابزار اندازه‌گیری یا مقیاس‌ها را محاسبه می‌کند. معمولاً مقیاس‌های با ضریب بیش از ۰/۵ روایی درونی دارند و می‌توان با اطمینان از آنها استفاده کرد (کلاتری، ۱۳۸۵: ۷۴).

تهران است. نمونه به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده و با استفاده از فرمول کوکران و به تعداد ۳۰۰ نفر انتخاب شد.

فرضیه‌های تحقیق

- بین بی‌قدرتی و احساس آنومی فردی رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد فردی و احساس آنومی فردی رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد تعمیم یافته و احساس آنومی فردی رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد نهادی و احساس آنومی فردی رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد اجتماعی و احساس آنومی فردی رابطه وجود دارد.
- بین مشارکت اجتماعی و احساس آنومی فردی رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی و احساس آنومی فردی رابطه وجود دارد.
- بین رضایت از زندگی و احساس آنومی فردی رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و احساس آنومی فردی رابطه وجود دارد.
- بین جنسیت و احساس آنومی فردی رابطه وجود دارد.

تعریف مفاهیم و متغیرها

آنومی فردی. به اعتقاد اسرول، آنومیا حالتی فکری و درونی است که موجب احساساتی از قبیل ناامیدی نسبت به آینده، بی‌اعتمادی نسبت به افراد جامعه، بی‌اعتمادی نسبت به مسئولان و جریان امور، بی‌قدرتی و بدبینی نسبت به وضعیت افراد عادی و معمولی در فرد مبتلا می‌گردد. لذا، نابسامانی فردی حالتی احساسی و نگرشی است که کیفیتی خاص در فرد آشکار می‌گردد و به صورت احساسات متعددی متجلی می‌شود. در اینجا به منظور سنجش احساس آنومی فردی از مقیاس اسرول در قالب طیف لیکرت به صورت زیر استفاده شده است (ببی، ۱۳۸۱: ۲۶۹):

- برخلاف آنچه برخی مردم می‌گویند، افراد عادی و متوسط آینده خوبی ندارند.
- با آینده‌ای که در پیش داریم، به دنیا آوردن بچه کار غیرعاقلانه‌ای است.
- امروز را دم غنیمت شمار و به فردا نیندیش.
- این روزها آدم نمی‌داند روی چه کسی حساب کند.
- اکثر کارمندان دولت اهمیتی به مشکلات مردم عادی نمی‌دهند.

سرمایه اجتماعی. مفهوم سرمایه اجتماعی را به طور کلی می‌توان منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی اند و کنش جمعی را تسهیل می‌کنند. این منابع که از طریق اجتماعی شدن حاصل می‌شوند در برگیرنده اعتماد، هنجارهای مشارکتی و شبکه‌هایی از پیوندهای اجتماعی است که موجب گرد آمدن افراد به صورتی منسجم و باثبات در داخل گروه به منظور تأمین هدفی مشترک می‌گردد (زاهدی، ۱۳۸۲: ۲۷۴). در این مقاله سرمایه اجتماعی با دو مؤلفه آن یعنی اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی سنجش شده است.

اعتماد اجتماعی. اعتماد اجتماعی دلالت دارد بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند (پاکستون، ۱۹۹۹: ۱۰۵). در اینجا اعتماد در قالب سه سنجه اعتماد بین فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی سنجش شده است (زاهدی و اجاقلو، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

اعتماد فردی. به معنای اعتماد به افراد خانواده، خویشان، دوستان و همکلاسی‌هاست که میزان آن در افراد بر اساس طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است.

اعتماد تعمیم‌یافته. اعتماد به بیگانگان یا افراد کمتر آشنای اجتماع را شامل می‌شود که از طریق گویه‌های زیر در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است:

- اکثر مردم در معامله با دیگران انصاف را رعایت می‌کنند.
- بسیاری از مردم فقط به منافع خود فکر می‌کنند.
- اغلب کسانی که با شما دوست‌اند از این جهت دوست شما شده‌اند که روی کمک شما حساب باز کرده‌اند.

- تا چه اندازه به غریبه‌ها اعتماد می‌کنید؟

اعتماد نهادی. بازگوی خوش‌بینی و اطمینان افراد نسبت به عملکرد نهادها و گروه‌های اجتماعی است. برای سنجش این معرف میزان اعتماد افراد برای شماری از نهادها و گروه‌های اجتماعی از طریق طیف لیکرت سنجیده شد. سپس، با استفاده از جمع نمرات افراد شاخص، اعتماد نهادی هر یک از آزمودنی‌ها محاسبه شده است. بالاخره نمره اعتماد اجتماعی از جمع نمرات اعتماد بین فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی محاسبه شد که اجزای اعتماد اجتماعی محسوب می‌شوند (علی‌پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

مشارکت اجتماعی. مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محل زندگی خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا نامستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸). مصداق عملیاتی چنین مشارکتی شرکت در انواع انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی است. منظور از مشارکت در سازمان‌های غیردولتی، عضویت، انجام دادن فعالیت‌ها یا صاحب مسئولیت بودن در سازمانی غیردولتی (NGO) است. در این تحقیق برای سنجش میزان مشارکت از مقیاس چاپین استفاده شده است که حاوی مقوله‌های زیر است: ۱. عضویت، ۲. انجام فعالیت، ۳. کمک مالی، ۴. صاحب مقام و مسئولیت بودن (میلر: ۱۳۸۰) که به ترتیب به هریک از مقوله‌ها نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ تخصیص داده شده است. با جمع کردن این نمره‌ها از مجموع سازمان‌هایی که فرد با آن‌ها ارتباط دارد، نمره مشارکت اجتماعی او تعیین شده است.

بی‌قدرتی. بی‌قدرتی احساس ذهنی فرد است که او یا دیگر افراد امثال او از مهار پیامدها و کنترل رویدادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عاجز می‌شوند (رابرت، ۱۹۶۲ به نقل از یزدان پناه، ۱۳۸۶). در این تحقیق برای سنجش احساس بی‌قدرتی دانشجویان از مقیاس بی‌قدرتی سیمن استفاده شده است. گویه‌های این مقیاس به شرح زیر است: «نوشتن نامه به مقامات دولتی نتیجه‌ای ندارد، چون کسی به داد آدم عادی نمی‌رسد. امثال من می‌توانیم جریان رویدادهای جامعه را تغییر دهیم، به شرطی که خودمان بخواهیم. من فکر می‌کنم ما از وسایل کافی برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها برخورداریم. در برخورد با تحولات جامعه، بیش از پیش احساس ناتوانی می‌کنم. وقتی در مورد ساخت سیاسی کشورم می‌اندیشم خود را با آن بیگانه حس می‌کنم. احساس می‌کنم از روش‌های کافی و مناسبی برای مقابله با گروه‌های فشار داخلی و خارجی برخورداریم. فکر می‌کنم آدمی مثل من حتی اگر هم بخواهد، با شرایط فعلی نمی‌تواند در جامعه تأثیری داشته باشد. این افراد جامعه هستند که آینده جامعه را می‌سازند، نه صاحبان قدرت. من فکر می‌کنم فرق چندانی نمی‌کند که کدام نامزد انتخاباتی و از چه جناحی پیروز می‌شود، زیرا هیچ چیز تغییر نخواهد کرد. من معتقدم افراد جامعه می‌توانند با مشارکت اجتماعی و سیاسی به بهبود شرایط اجتماعی کمک کنند.»

رضایت از زندگی. رضایت از زندگی دلالت بر خرسندی یا پذیرش اوضاع و احوال زندگی و تحقق خواسته‌ها و نیازهای افراد دارد. به عبارت دیگر، رضایت از زندگی اساساً

ارزیابی فرد از کیفیت زندگی اش است (Healy, 2005). در این تحقیق رضایت فرد از زندگی بازتاب مجموعه رضایت وی در زمینه‌های گوناگون همچون محل سکونت، خانواده، وضعیت مسکن، امکانات زندگی، رشته تحصیلی و رضایت از زندگی در کل در نظر گرفته شده است. **متغیرهای زمینه‌ای.** متغیرهای زمینه‌ای شامل جنسیت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی‌اند که جزء عوامل تأثیرگذار بر آنومی فردی در نظر گرفته شده‌اند.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی. جایگاهی است که افراد در ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه اشغال می‌کنند. برای سنجش پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان بر اساس شاخص اجتماعی - اقتصادی دانکن (میلر، ۱۳۸۰: ۳۸۸) از متغیرهای تحصیلات، درآمد و شغل پدر استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج به دست آمده، میانگین سنی افراد پاسخگو ۲۱ سال است. از مجموعه نمونه آماری ۵۹/۵ درصد دانشجویان از پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین، ۳۲ درصد جزء طبقه متوسط و ۸/۵ درصد از پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالایی برخوردار بودند. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان احساس آنومی فردی نشان می‌دهد ۱۸/۵ درصد دانشجویان پاسخگو احساس آنومی پایین، ۶۵/۵ احساس آنومی متوسط و ۱۶ درصد احساس آنومی بالایی داشتند که نشان‌دهنده میزان بالای احساس آنومی فردی در میان دانشجویان است.

آزمون فرضیه‌های تحقیق با استفاده از دو تکنیک آماری ضریب همبستگی و مقایسه میانگین‌ها انجام گرفته است. جدول ۱ نشان‌دهنده ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و احساس آنومی فردی است. نتایج حاکی از آن است که رابطه معناداری بین اعتماد اجتماعی، اعتماد فردی، نهادی و تعمیم‌یافته، بی‌قدرتی، سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی با احساس آنومی وجود دارد. بین مشارکت اجتماعی و احساس آنومی فردی رابطه‌ای وجود ندارد.

جدول ۱. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل فاصله‌ای و احساس آنومی فردی

معناداری	ضریب همبستگی	انحراف معیار	میانگین	همبستگی	احساس آنومی فردی
۰/۰۰۰	-۰/۴۸۲(**)	۸/۱۰۵	۴۱/۴۶	اعتماد اجتماعی	
۰/۰۰۰	-۰/۲۶۸(**)	۲/۴۴۶	۱۴/۲۷	اعتماد فردی	
۰/۰۰۰	-۰/۳۰۷(**)	۲/۲۸۳	۹/۸۲	اعتماد تعمیم‌یافته	
۰/۰۰۰	-۰/۴۲۳(**)	۶/۰۳۳	۱۷/۳۷	اعتماد نهادی	
۰/۰۰۰	۰/۵۲۶(**)	۵/۸۶۶	۲۶/۹۲	بی‌قدرتی	
۰/۰۰۰	-۰/۴۶۱(**)	۹/۰۰۲	۴۲/۹۴	سرمایه اجتماعی	
۰/۱۷۷	-۰/۰۹۶	۲/۷۶۷	۱/۷۰	مشارکت اجتماعی	
۰/۰۰۰	۰/۲۸۹(**)	۴/۹۴۰	۲۲/۱۴	رضایت از زندگی	

** رابطه در سطح ۰/۰۱ معنادار است (دو دانه).

جدول ۲ آزمون تفاوت میانگین احساس آنومی فردی بر حسب جنسیت دانشجویان با استفاده از آزمون t مستقل را نشان می‌دهد. آمارهای جدول بازگویی آن است که رابطه‌ای بین جنسیت و احساس آنومی فردی وجود ندارد. به عبارت دیگر، متغیر جنسیت متغیر پیش‌بین احساس آنومی فردی نیست.

جدول ۲. مقایسه تفاوت میانگین احساس آنومی فردی بر حسب جنسیت با استفاده از آزمون t

مستقل

نام متغیر	نام مقوله	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
جنسیت	زن	۸۴	۱۴/۶۷	۳/۳۵۶	۱/۱۳۲	۰/۲۶۹
	مرد	۱۱۵	۱۴/۱۵	۲/۹۶۰		

همچنین، جدول ۳ آزمون تفاوت میانگین احساس آنومی فردی بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانشجویان با استفاده از آزمون F مستقل را نشان می‌دهد. آمارهای جدول بیانگر عدم ارتباط پایگاه اجتماعی-اقتصادی و احساس آنومی فردی است.

جدول ۳. مقایسه تفاوت میانگین احساس آنومی فردی بر حسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی با

استفاده از آزمون F مستقل

نام متغیر	نام مقوله	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	پایین	۱۱۹	۱۴/۴۵	۳/۱۸۰	۰/۷۹۳	۰/۴۵۴
	متوسط	۶۴	۱۴/۱۱	۳/۱۰۲		
	بالا	۱۷	۱۵/۸	۳/۳۰۲		

به منظور پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (احساس آنومی فردی) از طریق متغیرهای مستقل و تعیین سهم هریک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته از تکنیک رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام استفاده شده است. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد دو متغیر بی‌قدرتی در مرحله اول و متغیر اعتماد فردی در مرحله دوم به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و در مجموع این دو متغیر توانسته‌اند ۲۵/۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند و توضیح دهند (و متغیرهای سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم یافته و رضایت از زندگی از معادله بیرون مانده‌اند).

جدول ۴. خلاصه مدل‌های تحلیل آنومی فردی

مدل‌ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب همبستگی تعدیل شده	آزمون واریانس	سطح معناداری
1	۰/۵۲۶	۰/۲۷۶	۰/۲۷۳	۷۵/۵۷۹	۰,۰۰۰
2	۰/۵۴۳	۰/۲۹۵	۰/۲۸۷	۴۱/۱۲۳	۰,۰۰۰

مدل‌های شماره ۱. بی‌قدرتی؛ ۲. بی‌قدرتی، اعتماد فردی

براساس مقادیر Beta، این مقادیر استاندارد شده و امکان مقایسه و تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرها را فراهم می‌سازد. معادله رگرسیون چند متغیره در تحقیق حاضر عبارت خواهد بود از

$$(\text{اعتماد فردی}) = ۰/۱۴ - (\text{بی‌قدرتی}) = ۰/۴۸۹ = \text{احساس آنومی فردی}.$$

جدول ۵. بررسی تأثیر ضرایب استاندارد متغیرهای مستقل بر آنومی فردی

متغیرها	ضریب تأثیر غیراستاندارد (B)	ضریب تأثیر استاندارد شده (Beta)	مقدار T	سطح معناداری
بی‌قدرتی	۰/۲۶۴	۰/۴۸۹	۷/۸۸۲	۰,۰۰۰
اعتماد فردی	-۰/۱۸۱	-۰/۱۴۰	-۲/۲۵۹	۰/۰۲۵

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس جامعه‌شناسی عواطف، یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در مدیریت مسائل خرد، توجه به احساس است. از این‌رو، آنومی فردی احساسی است که از عوامل تأثیرگذار در کنش‌های افراد محسوب می‌شود و نیازمند بررسی و مطالعه است. هدف این تحقیق سنجش احساس آنومی فردی در میان دانشجویان و بررسی عوامل مؤثر بر آن است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۱۸/۵ درصد دانشجویان تحت مطالعه احساس آنومی فردی پایین، ۶۵/۵ احساس آنومی متوسط و ۱۶ درصد احساس آنومی بالایی دارند که نشانگر وضعیت روحی نامساعد دانشجویان است، به طوری که ۸۱/۵ درصد دانشجویان دارای احساس آنومی متوسط رو به بالاینده و این برای جامعه دانشگاهی که می‌خواهد مشارکت‌جو باشد نگران‌کننده است.

اهمیت سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در بررسی احساس آنومی فردی از آن جهت مورد توجه است که این متغیر بر اساس نظریه بی‌سازمانی یکی از عوامل تبیین‌گر در حالت آنومیک جامعه و فرد است. نتایج توصیفی مطالعه حاضر نشان می‌دهد میزان سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان به این صورت است که ۴۶ درصد پاسخگویان میزان سرمایه اجتماعی پایین و ۵۴ درصد میزان سرمایه اجتماعی متوسطی دارند. این موضوع نشان‌دهنده سطح پایین سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان است. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی نیز وضعیت مناسبی ندارند، به طوری که توزیع میزان شاخص اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان مورد مطالعه بدین صورت است که ۴۵ درصد دانشجویان اعتماد اجتماعی پایین و ۵۵ درصد دانشجویان اعتماد اجتماعی متوسطی دارند. همچنین، یافته‌ها بازگویی آن است که میزان مشارکت اجتماعی به عنوان مؤلفه سرمایه اجتماعی از سطح پایینی برخوردار است، به طوری که ۷۸/۵ درصد دانشجویان مشارکت پایین، ۱۸ درصد متوسط و ۱/۵ درصد مشارکت اجتماعی بالایی دارند.

احساس بی‌قدرتی یکی دیگر از متغیرهای مستقل تأثیرگذار مورد مطالعه در این تحقیق است. یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد ۱۸ درصد دانشجویان احساس انومی پایین، ۶۸/۵ درصد متوسط و ۱۳ درصد احساس بی‌قدرتی بالایی دارند.

نتایج به دست آمده روایت جالبی از ارتباط دوسویه بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق را نشان می‌دهد، به طوری که ارتباط بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، اعتماد فردی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی همچنین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی با احساس انومی دوسویه و منفی است. به این معنی که هر چه افراد دارای اعتماد اجتماعی، فردی، نهادی و تعمیم یافته، سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی بالایی باشند، احساس انومی آنان پایین خواهد بود. از طرف دیگر، ارتباط مثبت و دوسویه نسبتاً بالایی بین احساس بی‌قدرتی و احساس انومی فردی وجود دارد. این ارتباط بیانگر آن است که هر چه احساس بی‌قدرتی در افراد بالا باشد، احساس انومی بیشتری خواهند کرد. بین مشارکت اجتماعی، جنس، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و احساس انومی فردی ارتباطی وجود ندارد.

بر اساس مدل رگرسیونی متغیرهای احساس بی‌قدرتی و اعتماد فردی بیشترین اهمیت را در تبیین احساس انومی فردی داشته‌اند، به طوری که ارتباط متغیر احساس بی‌قدرتی مثبت و ارتباط متغیر اعتماد فردی منفی است. به نظر می‌رسد افرادی که دارای اعتماد فردی پایین و احساس انومی بالایی اند دچار حالت انومیک می‌شوند.

نتایج این تحقیق یافته‌های تحقیقات پیشین و برخی نظریه‌ها را تأیید می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان داد میزان احساس انومی فردی از احساس بی‌قدرتی تأثیر می‌پذیرد. هر چه احساس بی‌قدرتی افراد بیشتر باشد، میزان احساس انومی آن‌ها افزایش می‌یابد. این یافته‌ها با نظریه‌های اسرول مطابق است که بیگانگی را آلترناتیو و نسخه بدل انومی می‌داند (لاکس، ۱۹۹۳: ۷۸). در این تحقیق احساس بی‌قدرتی یکی از مؤلفه‌های بیگانگی مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین، این یافته اعتقاد لیندنبرگ (۱۹۷۷) را تأیید می‌کند که انومی را متغیر وابسته‌ای در نظر می‌گیرد که تحت تأثیر احساس بی‌قدرتی پدید می‌آید (کوثری، ۱۳۸۶).

فردینبرگ معتقد است هر چه افراد ناراضی‌تر باشند، دچار احساس انومی بیشتری خواهند بود. یافته‌های این تحقیق نیز مؤید این است که بین احساس ناراضی‌تی و احساس انومی رابطه معناداری وجود دارد. میزان همبستگی بین رضایت از زندگی و احساس انومی ۲۸ درصد با

جهت منفی است. این بدین معناست هر چه افراد رضایت از زندگی بالایی داشته باشند، احساس آنومی فردی پایینی خواهند داشت.

براساس نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، افراد اگر سرمایه اجتماعی اندکی داشته باشند، دچار حالات آنومیک خواهند شد. یافته‌های تحقیق در جهت تأیید این ادعاست، به طوری که بین سرمایه اجتماعی و احساس آنومی همبستگی با میزان ۰.۶۶- وجود دارد. جهت منفی نشانگر ارتباط منفی این دو متغیر است، به طوری که هر چه افراد از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار باشند احساس آنومی اندکی خواهند داشت.

ارتقای سلامت روانی در جامعه، شاخص توان‌مندی نظام اجتماعی است. این توان‌مندی می‌تواند از طریق ارزیابی حالات روحی و روانی افراد جامعه به‌خصوص دانشجویان صورت پذیرد که از اقشار تأثیرگذار اجتماعی کنونی‌اند. در همین راستاست که توجه به بسترهای شکوفایی خلاقیت‌ها و ایجاد محیط سرزنده و شاداب اجتماعی برای جوانان می‌تواند در جهت رشد و تعالی نظام اجتماعی مورد اهتمام قرارگیرد. بنابراین، بر شرایط اجتماعی با اعتمادسازی بالا و محیط مشارکت‌جو تأکید می‌شود.

منابع

- بی‌بی، ارل (۱۳۸۱)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- بروس کوئن (۱۳۷۵)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- رجب‌زاده، احمد و کوثری، مسعود (۱۳۸۲)، «آنومی سیاسی در ایران با تکیه بر نظر شهروندان تهران»، *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)*، شماره ۲۱: ۳۱۹-۳۴۸.
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۲)، *توسعه و نابرابری*، تهران: انتشارات مازیار.
- زاهدی، محمد جواد و اوچاقلو، سجاد (۱۳۸۴)، «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در شهر زنجان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۴: ۹۵-۱۲۵.
- ستوده هدایت اله (۱۳۷۲)، *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*، انتشارات آوای نور.
- شیانی، ملیحه و محمدی، محمد علی (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر احساس آنومی فردی در میان جوانان با تأکید بر جنسیت»، *فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران*، شماره ۳: ۲۳-۶۰.
- علی پور، پروین؛ زاهدی، محمدجواد؛ شیانی، ملیحه (۱۳۸۸)، «اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲: ۱۰۹-۱۳۵.

- کردزنگنه، منوچهر (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه زمینه های اجتماعی با انومی در میان دانش آموزان پیش دانشگاهی شهرستان رامهرمز»، *علوم اجتماعی*، شماره ۲: ۲۷۳-۲۹۶.
- کوثری، مسعود (۱۳۷۶)، *نظریه های انومی اجتماعی*، بی جا.
- کوزر، لوییس (۱۳۶۸)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- گولد، جولیس، ل. کولب، ویلیام (۱۳۷۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه محمد جواد زاهدی مازندرانی، تهران: انتشارات مازیار.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱)، «آسیب شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی (بررسی انزوی ارزشی در دانشگاه های دولتی)»، *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، شماره ۲۶.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، *بررسی زمینه های مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی*، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰)، «بیگانگی (مفهوم سازی و گروه بندی تئوریک در حوزه جامعه شناسی و روان شناسی)»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲: ۲۷۳-۲۹۶.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵)، «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی سیاسی»، *نامه پژوهش فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، پیش شماره ۱: ۸۹-۱۱۰.
- مرجایی، سید هادی (۱۳۸۲)، «سنجش و بررسی احساس انومی فردی در میان جوانان»، *مجله مطالعات جوانان*، شماره ۵: ۲۳-۶۰.
- میلر، دلبرت (۱۳۸۰)، *راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نائبی، تهران: نشر نی.
- نادری، حمداله؛ جاهد، محمدعلی؛ خدابخشی، نسرین (۱۳۹۰)، «سنجش چندبعدی احساس انومی در بین جوانان»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۲۵: ۱۷۹-۲۱۰.
- یزدان پناه، لیلا (۱۳۸۶)، «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۶: ۱۰۵-۱۳۰.

- Abercromble and Elso (1988), **Dictionary of sociology**, London, penguin Books.
- Brenstein, J. Richard (1986), **philosophical profiles: Essays in a pragmatic mode**, uk, polity press.
- Dean, G. (1969), **Dynamic Social physiology**, New York, Random House.
- Healy, T. (2005), **In each other's shadow : what has been the impact of human and social capital on life satisfaction on Ireland**. Phd thesis , Department of sociology , Faculty of Human Science , University of Dublin.

- Jackson. S .John (1973), “Alienation and Black Political Participation”, **The Journal of Politics**, Vol. 35, No. 4 : 849-885.
- Luks, Steven (1993), **Alienation and Anomie; Critical Assessments**, edited by Pitter Hamilton, Rout ledge.
- Messner, Steven F., Rosenfeld, Richard ., (1997), “Political Restraint of the Market and Level of Criminal Homicide: A Cross – National Application of Institutional – Anomie Theory”, **The University of North Carolina Press**, No 75: 1393 – 1416.
- Mitchel G.Duncan,1979, **A new Dictionary of Sociology**, London,Routledge and kegan paul.
- Nettler. Gorge (1956), The Measure of alienation, A S R.
- Paxton, P. (1999), **Is Social Capital Declining in the United States?** A multiple Indicator Assessment, American Journal of Sociology, No 1: 88-127.
- Stewart E.W. (1979), **Introduction to sociology**, MC.Grow Hill.